

## ظهور «بناپارتیسم» در ایران

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۷ مه ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/rise-bonapartism-iran

العربية (/ar/policy-analysis/swd-albwnabrttyt-fy-ayran/)

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبرتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع فلسفه و کارشناس سیاست ایران



تحلیل کوتاه

### علاقه به یک رئیس‌جمهور مقتدر نظامی در بخش‌هایی غیرمنتظره رو به افزایش است اما برآمدن چنان کسی به احتمال زیاد به تحکیم بیشتر قدرت خامنه‌ای می‌انجامد به جای آن که موجب اصلاحات چشمگیر در نظام شود

با تأسی از *مانیفست حزب کمونیست* می‌توان گفت که شبی بر ایران سایه افکنده است: شبی بناپارتیسم ایدئولوژی‌ای که ناظر به دوران حکومت ناپلئون و طرفدار دیکتاتوری نظامی متمرکز با محوریت یک قلدز کارزماتیک در رأس دولت است. نظام جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون نیز برای خودش «رهبر معظم» دارد که آیت‌الله علی خامنه‌ای است. با این حال گمانه‌زنی‌های زیادی مطرح است که بر اساس آن رهبر ایران و بسیاری از عناصر داخل رژیم به دنبال آن اند که در انتخابات ۱۸ ژوئن یک نظامی مقتدر جایگزین رئیس‌جمهور حسن روحانی شود. با اینهمه شاید آگاهی کمتری نسبت به این نکته وجود دارد که حتی در میان ایرانیانی که با نهادهای نظامی و امنیتی کشور رابطه چندانی ندارند هم بناپارتیسم در حال تبدیل به یک ایدئولوژی سیاسی پرطرفدار است.

### مفهوم بناپارتیسم در بافت سیاسی ایران

خامنه‌ای در توصیف رئیس‌جمهور ایده‌آل خود مکرراً به یک کاندیدای جوان و «حزب‌اللهی» اشاره می‌کند. اصطلاحی که به معنای «عضو حزب خدا» است و در عمل به کسی اشاره دارد که به رهبر انقلاب وفاداری مطلق دارد و جزو وفادارترین حامیان رژیم است. این عنوان معمولاً برای کسانی به کار می‌رود که به دستگاه اطلاعاتی نظامی یا امنیتی نوعی سرسپردگی دارند. اما خامنه‌ای و سپاه پاسداران تنها کسانی نیستند که رویای یک رئیس‌جمهور «حزب‌اللهی» با سابقه نظامی را در سر می‌پرورند. گرایش بناپارتیستی ریشه‌های عمیقی در تاریخ ایران دارد. از جمله در قبل از انقلاب اسلامی.

در نیمه اول قرن بیستم رضاشاه پهلوی امید بناپارتیست‌ها برای ایجاد یک دولت مدرن در ایران بعد از سال‌ها ناکارآمدی سیاسی و بی‌ثباتی اجتماعی بود. او از سطوح پایین و از طریق خدمت نظامی خود رشد کرد و پایگاه قدرت اجتماعی‌اش را نه فقط در میان دوستان «مطلقه‌خواه» اش (که در ادامه توضیح آن خواهد آمد) که همچنین بین مشروطه‌خواهان سکولار سابق روشنفکران لیبرال دموکرات روحانیت سنتی و شهروندان عادی محکم کرد. تلقی عمومی این بود که او تنها کسی است که می‌تواند هرچ و مرج عمومی را پایان بخشد و به مشکلات فزاینده فقر و ناامنی رسیدگی کند.

وقتی رضاشاه به قدرت رسید در رأس یک دیکتاتوری خشن قرار گرفت اما نگرش‌ها به کارنامه او دهه‌ها پس از آن‌که او در نتیجه حمله نیروهای بریتانیا و شوروی خلع ید شد بسیار مثبت‌تر شده است. مثلا در سال ۲۰۰۵ محمدباقر قالیباف نامزد ریاست‌جمهوری از قرار در سفرهای انتخاباتی‌اش خود را «رضاشاه حزب‌اللهی» می‌خواند اما بسیاری از ایرانیان به جای آن‌که به این لقب واکنش منفی نشان بدهند صرفا ادعای قالیباف را رد می‌کردند چون او را در حد و اندازه دیکتاتور فقید نمی‌دیدند.

در دوران رضاشاه از ایده بناپارتیسم در قالب اصطلاح «استبداد منور» و «حکومت مطلقه» حمایت می‌شد. هم برای روشنفکران و مقامات غیرروحانی ایران و هم برای مقامات کشورهای خارجی قدرتمندی چون فرانسه رضاشاه تنها امید برای ادامه نوسازی (مدرنیزاسیون) در ایران بود. رهبران طرفدار قدرت مطلقه در اروپا به دنبال اصلاح بوروکراسی ترویج رواداری مذهبی و پیشبرد توسعه اقتصادی بودند اما همزمان از هر گونه تغییری که ممکن بود حاکمیت استبدادی آن‌ها را تضعیف کند اجتناب می‌کردند. مصطفی کمال آتاتورک رهبر مناسبی برای این نوع نوسازی در ترکیه دیده می‌شد. در ایران هم روشنفکرانی چون علی دشتی و سید حسن تقی‌زاده با اهداف مشابهی حامی به قدرت رسیدن رضاشاه بودند.

ایده «قدرت مطلقه خیرخواه» یا «مستبد عادل» را به لحاظ نظری بر مبنای اصول اسلامی هم می‌توان توجیه کرد چون در آن امنیت و سعادت مردم اولویت دارد. سال‌ها ولایت فقیه دکترینی که تحت لوای آن رهبران ایران به عنوان روحانیون حاکم در ایران بعد از انقلاب مدعی اقتدار مطلقه شدند در حوزه علمیه بحثی جنجالی بود. اما امروزه روحانیون اندکی علنا زحمت بحث له یا علیه مشروعیت این دکترین را برای خود می‌خرند. این نشان می‌دهد بسیاری از عالمان دینی شیعه تلویحا به نظریه سیاسی سنتی مذهب خود برگشته‌اند. در مبنای کلاسیک تشیع در غیبت امام معصوم حکومت مستبدی عادل یعنی حافظ کیان تشیع و پاسدار ثغور و حدود ارضی مملکت نه تنها مقبول که ضرورت است.

با سرخوردگی عمومی از نخبگان سیاسی فعلی و ناتوانی آن‌ها در حل مشکلات ساختاری یا اصلاح رژیم موجود و یا رهبری یک انقلاب موفق دیگر طرح احیای استبداد/بناپارتیسم در ایران به مثابه یک هدف آرمانی تعجب برانگیز نیست. به قدرت رساندن یک نظامی در قامت رئیس‌جمهوری مقتدر و باکفایت نقشه‌ای نیمه‌پنهان نیست که خامنه‌ای آن را طراحی کرده باشد. خیال‌اندیشی درباره بناپارتیسم هم در میان توده‌های مستاصل و هم در آن بخش از جناح‌های سیاسی که سپاه پاسداران آن‌ها را نمایندگی نمی‌کند در حال گسترش است.

برای نمونه برخی اعضای حزب تکنوکرات کارگزاران سازندگی تمایل خود را به یک رئیس‌جمهور نظامی اقتدارگرا برای اداره کشور برای دست‌کم ده سال آینده ابراز کرده‌اند. سعید لیلان یکی از اعضای این حزب در مصاحبه‌ای در ماه ژانویه صراحتا از این ایده حمایت کرد و گفت که این تنها راه حل مشکل فساد ناکارآمدی و فروپاشی نهادهای حکومتی است. او مراد خود را چنین توضیح می‌دهد: «در افق سیاسی ایران ما یک بناپارت خواهیم دید که برای یک دوره گذار نه دوره‌ای ابدی روی کار خواهد آمد ... این همان رضاخانی است که مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند و همان رضاخانی است که در داخل حکومت می‌گویند. چون منسجم‌ترین سازمان سیاسی و امنیتی ایران سپاه است. آینده ایران باید از خلال یک دوره حکمرانی سپاه عبور کند و عبور خواهد کرد که حداقل دو مشکل از سه مشکل اساسی ما را حل می‌کند یعنی عدم انسجام و ناکارآمدی را.»

همین‌طور عطاءالله مهاجرانی معاون سابق رئیس‌جمهور در یک توییت تصریح کرد او برای دوره بعدی ریاست‌جمهوری یک مقام نظامی را ترجیح می‌دهد. مهاجرانی نیز وابسته به حزب کارگزاران سازندگی است. تشکلی که همیشه با هویتی تکنوکرات و بوروکرات و ضعف تمایلات ایدئولوژیک ضدغربی معرفی شده است. در واقع اعضای این حزب اغلب در غرب از نزدیکان به حسن روحانی و اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور درگذشته ایران و بخشی از جناح «میان‌رو» شناخته می‌شوند.

از سوی دیگر طیف پوپولیست تحت رهبری محمود احمدی‌نژاد هم به‌رغم تقابل مطلق با کارگزاران در بیشتر مسائل از بناپارتیسم طرفداری می‌کند. بنا به گفته عبدالرضا داوری مشاور احمدی‌نژاد در زمان ریاست‌جمهوری او و سخنگوی غیررسمی فعلی‌اش احمدی‌نژاد حالا معتقد است که «جمهوری اسلامی بعد از مرگ خامنه‌ای فرو خواهد پاشید» و بناپارتیسم بهترین راه‌حل برای بحران‌های متعدد کشور است.

ظاهرا خامنه‌ای هم برای اجرای منویات‌اش در غیاب خود به روحانیون و سیاستمداران بدگمان است. از نگاه او فقط سپاه است که به طور انحصاری واجد صلاحیت برای این مأموریت است. اگر بتوان به گفته‌های محمدجواد ظریف در مصاحبه‌ای که اخیرا درز کرده اعتماد کرد این ممکن است ترجیح روسیه هم (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/zarif-tape-revelations-russia->) باشد.

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/zarif-tape-revelations-russia-> (gods-force-and-irans-election) باشد.

معروف است که هنری کیسینجر گفته بود (برای حل بحران‌های ایران) جمهوری اسلامی باید تصمیم بگیرد می‌خواهد یک کشور باشد یا یک آرمان (فراملی). سوابق خامنه‌ای نشان می‌دهد این تصمیم چیست چون سی سال حکومت او به تشدید و تکرار بحران‌های سیاسی و دیپلماتیک و بحران‌های اجتماعی-اقتصادی کشور انجامیده است. حالا به نظر می‌رسد رهبر جمهوری اسلامی برآمدن سپاه به قدرت سیاسی را تنها راه حفظ انقلاب می‌داند و علاوه بر او بسیاری از نخبگان و شهروندان هم که با ایدئولوژی سپاه همدلی ندارند حکمرانی نظامی را تنها راه امید می‌بینند مگر الگوهای شکست‌خورده تصمیم‌گیری رژیم و سخت‌سری ریشه‌دار آن تغییر کند.

با همه این‌ها ایران برای بدل شدن به یک کشور بناپارتنی نیازی به انتخاب یک رئیس‌جمهور نظامی ندارد. جمهوری اسلامی همین حالا هم کمابیش رژیمی نظامی‌گرا است و تحت ولایت امر فرمانده کل قوای نظامی (خامنه‌ای) و به شیوه‌ای نظامی اداره می‌شود. البته برخلاف آرزواندیشی‌های بسیاری از بناپارتنیست‌ها رهبر ایران به معنای دقیق کلمه قلداری مُصلح نیست که اولویت‌اش مدرن‌سازی کشور باشد. ازین رو تا وقتی خامنه‌ای در قدرت است برآمدن یک رئیس‌جمهور نظامی روند تصمیم‌گیری رژیم را تغییر چشمگیری نخواهد داد رهبر ایران از چنین رئیس‌جمهوری صرفاً همچون کارگزاری اجرایی برای پیشبرد سیاست‌های شخص خود استفاده خواهد کرد.

مهدی خلجی هموند خانواده لب‌سکی در انستیتو واشنگتن است. ❖

## RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

### Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲ | ۱۱

Farzin Nadimi

(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



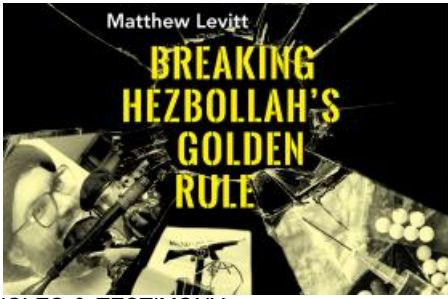
BRIEF ANALYSIS

### Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

فوریه ۲۰۲۲ | ۱۱

Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فبراير ٢٠٢٢

Matthew Levitt

(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

## TOPICS

[\(fa/policy-analysis/dmkrazy-w-aslah/\) ديمقراسى و اصلاح](#)

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\) عرب و اسلام سياسى](#)

## REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\) ايران](#)